

نقد و بررسی کتاب آرشیوهای دیداری – شنیداری

وحید طهرانی پور^۱

به آنچه گفته شد وظیفه دانش اطلاع‌رسانی پرداختن به آن بخش از دانش است که به تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره‌سازی، بازیابی، ترجمه و تبدیل اطلاعات مربوط می‌شود» (ص ۱۸).

در فصل دوم با عنوان «آرشیو چیست؟»، هیچ تعریفی از آرشیو دیداری – شنیداری ارائه نشده است. ریشه‌شناسی واژه آرشیو نیز نادرست بیان شده است: «واژه آرشیو از کلمه یونانی Archive یا Archioum مشتق شده است و در طی سال‌ها و سده‌های دراز معانی متفاوتی

آرشیوهای دیداری – شنیداری / گردآوری و ویرایش
سعید ملیح. – تهران: سرمدی، ۱۳۸۳. ۱۹۲ ص.

کتاب آرشیوهای دیداری – شنیداری، سومین کتاب فارسی‌ست که تاکنون درباره آرشیوهای دیداری – شنیداری منتشر شده است. کتاب نخست، مدیریت آرشیوهای دیداری – شنیداری از نورالله مرادی‌ست که در ۱۳۷۳ به چاپ رسید و ویرایش دوم آن در ۱۳۸۰ چاپ شد. دومین کتاب مدیریت مجموعه‌های فیلم و ویدیو، نوشته کریس ویلکی و ترجمه لیلا مرتضایی‌ست که در ۱۳۸۰ منتشر شد. و اما درباره کتاب سوم؛ چند بخش از کتاب درباره بی‌توجهی به آرشیوهای دیداری – شنیداری در ایران، محدود بودن متون تخصصی، نبود کارشناس و مشکلات آموزشی در این زمینه، نوشته شده است و سخنانی‌ست درست و به‌جا. اما متأسفانه اشکالات ساختاری، نگارشی و محتوایی کتاب بسیار است؛ اشکالاتی همچون فصل‌بندی نامناسب، ارائه مطالب نادرست از نظر علمی، غیرمستند نویسی، دراز نویسی، بی‌توجهی به ساخت معنایی جمله، حشو، املاء نادرست، استفاده از واژه‌های نامناسب، نداشتن یکپارچگی، یک دست نبودن و مانند آن.

در بسیاری از بخش‌ها، پس و پیش‌بندها (پاراگراف‌ها) با هم نمی‌خواند و مطالبی نوشته شده است که در جای خود نیست یا کاملاً نادرست است. برای مثال در فصل اول یعنی «فرایند اطلاع‌رسانی» ناگهان یک نتیجه‌گیری ارائه می‌شود که معلوم نیست از کجا آمده است: «با توجه



۱. دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی

یافته است...» (ص ۳۰) اولاً مأخذ ریشه‌شناسی این واژه (که ظاهراً کتاب مدیریت آرشیوهای دیداری – شنیداری آقای مرادی‌ست) مشخص نشده است. دوم اینکه واژه Archive یونانی نیست بلکه انگلیسی‌ست. سوم اینکه واژه آرشیو که ما آن را در فارسی به کار می‌بریم؛ از واژه‌های یونانی گرفته نشده، بلکه از واژه فرانسوی Archives گرفته شده است که حرف s آن خوانده نمی‌شود و بالاخره اینکه واژه انگلیسی Archive از واژه لاتین Archivum و این واژه از واژه یونانی Archeion و این واژه نیز خود از ریشه واژه Arche گرفته شده است.^۲ در بعضی لغت‌نامه‌ها، ریشه‌های دیگری نیز برای این واژه آمده است، اما در هیچ یک، واژه Archioum که در متن به آن اشاره شده است، وجود ندارد.

کتاب آرشیوهای دیداری – شنیداری، سومین کتاب فارسی‌ست که تاکنون درباره آرشیوهای دیداری – شنیداری منتشر شده است. کتاب نخست، مدیریت آرشیوهای دیداری – شنیداری از نورالله مرادی‌ست که در ۱۳۷۳ به چاپ رسید و ویرایش دوم آن در ۱۳۸۰ چاپ شد. دومین کتاب مدیریت مجموعه‌های فیلم و ویدیو، نوشته کریس ویلکی و ترجمه لیلا مرتضایی‌ست که در ۱۳۸۰ منتشر شد.

پنج موردی که به عنوان تعریف‌های منابع دیداری – شنیداری در صفحه ۳۱ نوشته شده است؛ از نظر ترجمه، اشکال‌هایی همچون جا انداختن و فهم نادرست مطلب دارد. علاوه بر این، سه مورد نخست آن نمی‌تواند به‌طور کامل بخشی از تعریف مواد دیداری – شنیداری باشد. این موارد در منبع اصلی (منبع انگلیسی)، به عنوان تعریف مواد دیداری – شنیداری ذکر نشده، بلکه تحت عنوان مواردی آمده است که می‌توان آنها را در زمره میراث دیداری – شنیداری کشورها گنجانند.

در فصل سوم یعنی «پیشینه منابع دیداری – شنیداری»؛ عکاسی، فیلم سینمایی، رادیو، تلویزیون، ویدئو، ضبط صفحه (گرامافون)، ضبط صوت و لوح‌های فشرده؛ منابع دیداری – شنیداری قلمداد شده‌اند. در حالی که بیشتر این‌ها منابع دیداری – شنیداری نیستند بلکه رسانه، رسانه

گروهی یا دستگاه هستند. علاوه بر این، مأخذ مطالب نوشته شده، مشخص نشده است.

در فصل چهارم با نام «تقسیم‌بندی منابع دیداری – شنیداری» نوشته شده است: «... با آنکه لوح‌های فشرده عمر چندانی ندارند، اما به صورت‌های مختلف این لوح‌ها به بازار عرضه گشته‌اند؛ دیسک‌های کامپیوتری، سی‌دی‌ها، دی‌وی‌دی (D.V.D) و ...» (ص ۴۳) این مطلب، نادرست است. لوح فشرده، برابر اصطلاح انگلیسی Compact Disc یا CD است. دیسک، از انواع سی‌دی‌ها نیست و ماده‌ای مغناطیسی‌ست. دی‌وی‌دی نیز نوعی سی‌دی یا لوح فشرده نیست بلکه همانند سی‌دی، نوعی دیسک نوری‌ست. در ادامه، نوشته شده است: «به هر حال، لوح‌های فشرده پدیده‌هایی هستند که با تغییر هر فصل، آنها هم چهره عوض می‌کنند و با گذشت هر روز با توانایی‌ها و قابلیت‌های جدید به بازار عرضه می‌شوند. هر چند قدمت فیلم بیش از یکصد سال است و عکس پدیده‌ی‌ست متعلق به سال ۱۸۳۰ میلادی اما با این حال هیچ‌یک از این منابع به اندازه لوح‌های فشرده، دگرگونی و تغییر نیافته است». این مطلب نیز درست نیست. دیسک‌های فشرده، از ابتدای عرضه به بازار، تغییر چندانی نکرده‌اند. اندازه فیزیکی، حجم ذخیره اطلاعات و ساختار آنها تغییر زیادی نداشته است. برعکس، فیلم و عکس بسیار دگرگون شده‌اند. ده‌ها نوع فیلم با انواع سوراخ حاشیه، قطع‌های گوناگون، جنس پایه، نوع صداگذاری، نوع رنگ، نوع امولسیون که به تدریج در سده گذشته به تکامل رسیده‌اند؛ پیشینه‌ای با دگرگونی بسیار را شکل داده‌اند. پیشینه عکس نیز به همین گونه است.

عنوان فصل پنجم، «اهمیت و نقش رسانه‌های گروهی (منابع دیداری – شنیداری)» است. در اینجا، رسانه‌های گروهی با منابع دیداری – شنیداری یکی فرض شده است که این درست نیست. در این فصل، «رسانه‌های گروهی» و «وسایل ارتباط جمعی» بررسی شده‌اند که این موضوع‌ها با نام کتاب چندان همخوانی ندارند.

در صفحه نخست فصل ششم، با عنوان «آرشیوها در فرایند تولید و برنامه‌سازی» نوشته شده است: «... لازم است ابتدا نگاهی داشته باشیم به اصلی‌ترین هدف آرشیوها، که عبارت است از مقوله حفظ و نگهداری.

2. Webster's ninth new collegiate dictionary, (Springfield: MERRIAM WEBSTER, 1988), p. 101.

شنیداری، درباره نگهداری آنها بحث شده است. مطالبی نیز که درباره نگهداری این مواد نوشته شده؛ کلی، ناقص و عاری از دقت است. مثلاً درجه حرارت و رطوبت نسبی مناسب که از مهم‌ترین اطلاعات درباره نگهداری مواد

ضرورت دارد متون تخصصی فارسی که خست‌های پایه این حرفه در کشور هستند؛ متونی دقیق، عمیق، مستند و معتبر باشند. در غیراین صورت، بنای این حرفه تا ثریا کج خواهد رفت و ساختار سست کنونی آن سست‌تر خواهد شد.

دیداری – شنیداری است؛ یا ارائه نشده یا مقادیر ارائه شده، نادرست است. در همین فصل (ص ۷۵) نوشته شده است: «حتی پذیرش آرشیویست مواد دیداری – شنیداری به عنوان یک حرفه نیز دارای آغاز و پیدایش رسمی نبود...» در اینجا آرشیویست مواد دیداری – شنیداری، حرفه تلقی شده است در حالی که حرفه‌ور یا ساده‌تر بگوییم، فرد شاغل در این حرفه است؛ همان‌گونه که «کتابدار» حرفه‌ور است نه حرفه. در همین صفحه از کتاب می‌خوانیم:

«در هفدهم اکتبر سال ۱۸۹۶مجله "British journal records" در این خصوص چنین نوشت: فیلم نه یک ماده چاپی است نه یک کتاب. در حقیقت همه می‌توانند بگویند فیلم چه چیزی است، اما هیچ‌کس دقیقاً نمی‌تواند بگوید که فیلم چیست؟...»
که متن اصلی آن چنین است:

“A contemporary British journal records the dilemma: “The film was neither a print nor a book, - in fact, everybody could say what it was not; but nobody could say what it was...”

همان‌گونه که دیده می‌شود British journal records، نام مجله نیست. نشریه‌ای که این مطلب را در اکتبر ۱۸۹۶ به چاپ رساند، مجله‌ای بود به نام «دِرا»^۳. ترجمه متن

“حفاظت” در مفهوم حقیقی برای آرشیوها به‌ویژه آرشیوهای فیلم وجود ندارد. چرا که ماده فیلم یا ویدئو کاست و یا نوارهای صدا یک ماهیت شیمیایی دارند و از بدو تولید و باگذشت زمان خراب می‌شوند...» این مطلب نیز نادرست است. حفظ و نگهداری، نه تنها اصلی‌ترین هدف، بلکه اصلاً هدف آرشیوهای دیداری – شنیداری نیست. نگهداری مواد، بدون دسترسی بی‌معناست، بنا بر این نمی‌تواند هدف آرشیو باشد، گرچه باید اولویت بیشتری نسبت به دسترسی برای آن قائل بود. نگهداری، یکی از کارکردهای اصلی آرشیوهای دیداری – شنیداری است که هدف از آن فراهم کردن امکان دسترسی همیشگی به مجموعه آرشیو است^۲. دیگر آنکه برخلاف آنچه ادعا شده است، حفظ مواد در مفهوم واقعی آن برای آرشیوها و به‌ویژه آرشیوهای فیلم کاملاً وجود دارد. چیزی که در حال حاضر برای این مواد وجود ندارد، ماندگاری همیشگی است نه حفاظت.

در ادامه این فصل (ص ۶۰) نوشته شده است: «... خطراتی که آرشیوها را از بدو تأسیس تهدید می‌کند عبارت است از: پوسیدگی فیلم‌های نیتراتی، سندرم سرکه، سائیدگی و ریختگی‌های صوتی و تصویری، پارگی و چسبندگی...» در حالی که این خطرها، آرشیو را تهدید نمی‌کند بلکه مواد آرشیوی را تهدید می‌کند و نکته مهم‌تر اینکه مشخص نیست چرا درباره بعضی از این اصطلاحات و بسیاری از دیگر اصطلاحات نوشته شده در کتاب توضیحی داده نشده است. معلوم نیست خواننده از کجا باید بداند که مثلاً “سندرم سرکه” چیست؟

عنوان فصل هفتم، «وظایف آرشیوهای دیداری – شنیداری» است. با مراجعه به متن اصلی (متن انگلیسی) مشخص شد وظایف برشمرده شده، وظایف آرشیوهای دیداری – شنیداری نیست بلکه اهداف ایجاد آرشیو برای نگهداری میراث دیداری – شنیداری کشورهاست و فقط می‌تواند به مثابه وظایف آرشیوهای دیداری – شنیداری ملی کشورها مطرح شود؛ نه هر آرشیوی. منطقی نیست پژوهش درباره مسائل فنی، ایجاد پایگاه اطلاعاتی و تهیه کتابشناسی ملی را از وظایف هر آرشیو دیداری – شنیداری، مثلاً یک آرشیو خصوصی دانست.

در فصل هشتم با نام «حفظ و نگهداری منابع دیداری – شنیداری»، بدون تشریح ساختار مواد دیداری –

3. Ray Edmondson, *Audiovisual Archiving: Philosophy and Principles*, (Paris: UNESCO, 2004), p. 55.

4. The Era

هم نادرست است. ترجمه درست متن بالا چنین است: «این وضع دشوار را یکی از مجله‌های بریتانیایی آن زمان ثبت کرده است: «فیلم نه ماده چاپی بود، نه کتاب – در واقع همه می‌توانستند بگویند که چه چیزی نیست؛ اما هیچ‌کس نمی‌توانست بگوید که چه چیزی هست...».

در همین فصل (ص ۸۲)، زیر عنوان «لوح‌های فشرده» آمده است: «لوح‌های نباید خم شوند و یا تاب بردارند. در

از شصت اصطلاح ارائه شده در "واژه‌نامه" کتاب، بیش از بیست اصطلاح نامرتب است. بیشتر واژه‌های نوشته شده در متن کتاب به کار نرفته‌اند. اصطلاحاتی چون ترانزیستور، پست الکترونیکی، پایان‌نامه، تله‌تکس، ویدئو تکس، اینترنت، ویروس، ویروس‌یاب و مانند آن همان اندازه به آرشیوهای دیداری – شنیداری مربوطند که به دفاتر پستی. در واژه‌نامه‌ای شصت مدخلی، باید واژه‌های اصلی نوشته شود.

غیر این صورت به راحتی در داخل پوشش‌هایشان نخواهند چرخید و یا به صورت منظم با همد تماس پیدا خواهند کرد». با کمی توجه می‌توان دریافت که متن رونویسی شده مربوط به دیسک‌های مغناطیسی بوده است، نه دیسک‌های فشرده که نوری هستند. دیسک فشرده، ماده‌ای مغناطیسی نیست. دیسک فشرده هنگام چرخیدن در دیسک خوان، درون پوشش قرار ندارد و اصولاً روش خواندن اطلاعات در آن تماسی نیست. در ادامه، این اشتباه باز هم تکرار شده است: «از آنجا که ضبط بر روی لوح‌ها در نتیجه فرایندی مغناطیسی صورت می‌گیرد، دور نگهداشتن آنها از تأثیر میدان‌های مغناطیسی... دارای اهمیت فراوانی است...» با توجه به تکرار همین اشتباه در فصل چهارم، می‌توان دریافت که بیان آن صرفاً نتیجه اشتباهی ساده نبوده است.

در چند جای کتاب درباره‌ی دی‌ها و دی‌وی‌ها به موضوعی اشاره شده است که درست نیست: «... دی‌وی‌دی ویدئویی... دو ساعت و ربع الی هفت تا هشت ساعت فیلم ویدئویی را با کیفیت استثنایی صوت و تصویر

ارائه می‌کند. کیفیت ۵۰۰ نقطه در خط است (در برابر ۲۴۰ نقطه در خط، سیستم V.H.S)» (ص ۱۱۳) از اینکه معلوم نیست بالاخره روی دی‌وی‌دی چه مدت فیلم ثبت می‌شود، می‌گذریم و به این ادعا می‌پردازیم که کیفیت و حجم ذخیره‌سازی اطلاعات بر روی سی‌دی و دی‌وی‌دی نسبت به محمل‌های اطلاعاتی دیگر بسیار بیشتر است. این ادعا درست نیست. کیفیت تصویر این دو ماده، بسیار پایین‌تر از کیفیت تصویر فیلم است. به آسانی می‌توان تصویر فیلم سی و پنج میلیمتری را با کیفیتی عالی بر پرده‌ای بسیار بزرگ نمایش داد. اما چنین کاری در مورد سی‌دی یا دی‌وی‌دی، تصویری با همان کیفیت ارائه نخواهد داد. ۵۰۰ نقطه در خط، در برابر میلیون‌ها ذره رنگی تشکیل‌دهنده تصویر در ماده فیلم، بسیار کم است. اطلاعات ثبت شده بر روی فیلم نیز (در صورت رقمی شدن)، بسیار بیش از آن چیزی است که بر روی دیسک‌های نوری ثبت می‌شود.

از شصت اصطلاح ارائه شده در "واژه‌نامه" کتاب، بیش از بیست اصطلاح نامرتب است. بیشتر واژه‌های نوشته شده در متن کتاب به کار نرفته‌اند. اصطلاحاتی چون ترانزیستور، پست الکترونیکی، پایان‌نامه، تله‌تکس، ویدئو تکس، اینترنت، ویروس، ویروس‌یاب و مانند آن همان اندازه به آرشیوهای دیداری – شنیداری مربوطند که به دفاتر پستی. در واژه‌نامه‌ای شصت مدخلی، باید واژه‌های اصلی نوشته شود. اصطلاحات ماده، منبع، رسانه، سند، مدرک، محمل و وسیله؛ در این کتاب بدون توجه به مفهوم هر کدام، به جای هم استفاده شده‌اند. برای این مفاهیم و نیز اصطلاحاتی چون آرشیو دیداری – شنیداری، آرشیویست دیداری – شنیداری، تصویر متحرک و نظایر آن که از اصلی‌ترین مفاهیم این حوزه از دانش هستند؛ نه در متن و نه در واژه‌نامه، تعریفی ارائه

تصاویر کتاب کیفیتی پایین دارند و عموماً نامربوطند. معمولاً کتاب تخصصی، جای مناسبی برای آوردن عکس‌های تزئینی نیست؛ چه رسد به عکس‌هایی با این کیفیت پایین و بدون بار اطلاعاتی.



دوم کتاب ایشان است نه از ویرایش نخست که مشخصات آن در کتابنامه و پی‌نویش‌ها نوشته شده است.^۵ نام خانم هلن پی. هریسون (Helen P. Harrison)، که چهار منبع از ده منبع انگلیسی استفاده شده در کتاب، متعلق به اوست، به سه شکل نوشته شده است که هیچ‌کدام از آنها درست نیست:

”Hellen P. Harrison“، ”Hellen P. Harrison“،
 ”Hellen P. Horrisson“

موارد طرح‌شده، مشتق‌ست نمونه خروار. افزایش متون تخصصی در یک رشته علمی بدون توجه به کیفیت آنها، مایه افتخار نیست. در حال حاضر که مدرک دانشگاهی برای این رشته در ایران اعطاء نمی‌شود و انجمن حرفه‌ای و هیچ نهاد دیگری برای تأیید صلاحیت علمی افراد فعال در این حرفه در کشور وجود ندارد؛ فقط با بررسی

نشده است.

در صفحه نخست فصل «واژه‌نامه» نوشته شده است: «لازم به توضیح است که برخی از معانی و تعاریف واژه‌های مربوطه کامل نیستند، البته تعاریف کامل و همه‌سویه در لابه‌لای جستار کوتاه ما ذکر شده است...» اگر معانی و تعاریف کامل نبوده‌اند، چرا چاپ شده‌اند؟ خواننده از کجا بداند کدام تعاریف کامل است و کدام ناقص؟ در ضمن تعاریف کامل و همه‌سویه بسیاری از اصطلاحات استفاده شده، در هیچ‌کجای این کتاب نه‌چندان کوتاه نوشته نشده است. بسیاری از مطالب نوشته شده نیز نادرست، نامفهوم و یا به کلی ناقصند؛ مثل:

«ان. تی. اس. سی.»

NTSC (National Television Information Service):
 (خدمت اطلاعات تلویزیون ملی)... پیداست که کوتاه‌نوشت این اصطلاح با سرواژه‌های آن همخوانی ندارد. کوتاه‌نوشت NTSC از سرواژه‌های عبارت National Television Systems Committee گرفته شده که به معنای کمیته ملی نظام‌های تلویزیونی است. این کمیته نظام‌های پخش تصاویر ویدئویی شبکه‌های تلویزیونی در آمریکا را تعیین می‌کند.

تصاویر کتاب کیفیتی پایین دارند و عموماً نامربوطند. معمولاً کتاب تخصصی، جای مناسبی برای آوردن عکس‌های تزئینی نیست؛ چه رسد به عکس‌هایی با این کیفیت پایین و بدون بار اطلاعاتی. شاید تنها فایده چاپ این عکس‌های تقریباً نیم‌صفحه‌ای، این بوده که در حدود سیزده صفحه به‌شمار صفحه‌های کتاب افزوده شده است. بخش‌های «پانویس‌ها» و «کتابنامه» نیز چندین اشتباه دارند. در متن کتاب، نخست پی‌نویش ۲۳ آمده و پس از آن پی‌نویش ۲۲. شماره پی‌نویش ۲۴ در متن اصلی وجود ندارد. در برابر سه پی‌نویش ۲۸، ۲۹ و ۳۰ به اشتباه نوشته شده است: «همان منبع، ص ۷-۵». سال انتشار پی‌نویش‌های شماره ۵۴ و ۵۵ که مربوط به یک نشریه است، اشتباه نوشته شده و ۱۳۸۱ درست است نه ۱۳۸۲. دو پی‌نویش آخر، یعنی پی‌نویش‌های ۹۴ و ۹۵ در متن اصلی کتاب وجود ندارند. کتابنامه لاتین این کتاب نیز پر از اشکال است. مطالب استفاده شده از کتاب آقای مرادی، از ویرایش

۵. در کتابنامه فارسی این کتاب، کتابشناسی کتاب آقای مرادی به این صورت نوشته شده است: مرادی، نور امرالله، مدیریت آرشیه‌های دیداری - شنیداری. تهران: سروش، ۱۳۷۳. از اشتباه در نوشتن نام آقای نورالله مرادی که بگذریم، مطالبی که در این کتاب با استفاده از کتاب آقای مرادی نوشته شده است، از ویرایش دوم کتاب آقای مرادی است نه از ویرایش نخست نورالله مرادی، مدیریت آرشیه‌های دیداری - شنیداری، ویرایش ۲، (تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۰).

دقیق و نقد علمی می‌توان تا اندازه‌ای از حاشیه امن برای چاپ کتاب‌های مغلوط و مخدوش کاست. ممکن است از این کتاب برای تدریس دروس دانشگاهی مرتبط با این رشته استفاده شود. بنابراین، ضرورت دارد متون تخصصی فارسی که خشت‌های پایه این حرفه در کشور هستند؛ متونی دقیق، عمیق، مستند و معتبر باشند. در غیراین صورت، بنای این حرفه تاثری کج خواهد رفت و ساختار سست‌کنونی آن سست‌تر خواهد شد.

